

«ایران» در گزارشی تحلیلی بررسی کرد

# چرا پول یک کشور سقوط می‌کند؟

در کشورهایی که امکان خرید و فروش اسکناس ارزهای خارجی و نگهداری آنها و نهایتاً استفاده از آنها در مبادلات داخلی و جایگزینی آنها با پول ملی وجود داشته، سقوط پول ملی بسیار شدیدتر و فراتر از انتظار بوده است



**دکتر محمدرضا یزدی زاده** اقتصاددان و تحلیلگر مسائل اقتصادی

پول مهم‌ترین متغیر اقتصادی است چرا که مؤثرترین عامل بر سایر متغیرهای اقتصادی محسوب می‌شود و به همین دلیل، ضربه زدن به نظام پولی یک کشور، مهم‌ترین و کارا ترین ابزار دشمنان در جنگ اقتصادی و حتی جنگ نظامی است.

بارها و بارها دیده و شنیده شده است که در فرم سنتی جنگ‌ها، طرفین جنگ سعی کرده‌اند تا با چاپ پول جعلی کشور مقابل و انتقال این وجوه به داخل کشور مقابل اهداف خود را دنبال کنند.

#### تقاضای پول

اقتصاددانان، مبانی و پایه‌های نظری تقاضای پول را در چهارچوب خطوط فکری متفاوتی ارائه کرده‌اند. به‌عنوان مثال، در مکتب کلاسیک، پول به‌عنوان وسیله مبادله به حساب می‌آید. نظریه مقداری پول نیز تقاضای عمومی برای نگهداری پول تکیه افیا می‌کند. نظریه کمبریج با ارائه روش تراز نقدی بر تقاضای پول به‌عنوان یک تقاضای عمومی برای نگهداری پول تکیه کرده و رابطه بین تقاضا برای حجم واقعی پول و درآمد واقعی را استخرج می‌کند، اما کینز سه انگیزه معاملاتی، احتیاطی و سفته بازی پول را برای تقاضای پول ذکر کرد. در نظریه کمبریج و کینز، تقاضای معاملات، تابع درآمد در نظر گرفته شده است اما، نظریه تقاضای معاملاتی بامول – توپین نشان می‌دهد که تقاضای معاملاتی پول، تابعی از نرخ بهره نیز هست. همچنین در تقاضای سفته بازی توپین، تقاضا برای پول از طریق بهینه‌سازی ترکیب دارایی‌ها به دست می‌آید و پیول به‌عنوان یک دارایی با ویژگی‌های متفاوت از لحاظ میزان ریسک و بازده در کنار انواع دیگر دارایی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. تقاضای پول فریدمن، احیای نظریه کمبریج و نظریه مقداری پول است. فریدمن معتقد است پول برای مصرف‌کننده نوعی مطلوبیت روانی به حساب می‌آید و باید به‌عنوان یک دارایی با دارایی‌های جاننشین پول، مقایسه شود. پس طبق نظریه فریدمن، تقاضای پول تابع مثبت از ثروت یا در آمد دائمی و تابع منفی از نرخ بازده مورد انتظار سایر دارایی‌هاست.

#### جاننشینی پول

فرونی نرخ تورم داخلی بر نرخ تورم در خارج، صرفاً، در کشورهایی که امکان خرید و فروش ارزهای خارجی (ویا مسکوکات و شمش طلا) وجود داشته باشد، انگیزه نگهداری پول خارجی (و یا طلا) به جای پول داخلی را به منظور جلوگیری از کاهش ارزش دارایی‌های افراد فراهم می‌آورد. تحت این شرایط پدیده جاننشینی پول به وجود می‌آید. بنابراین در کشورهایی که این پدیده وجود دارد، معمولاً دو نوع پول به‌عنوان واسطه مبادله و ذخیره ارزش دارایی‌ها استفاده می‌گردد (فاسانو، فیلمو ۱۹۸۶).

استفاده ازپول خارجی توسط ساکنین به دوشیوه انجام می‌شود:

جاننشینی پول: در اینجا با وجودی که پول خارجی به‌عنوان یک واحد شمارش، وسیله مبادله و ذخیره ارزش استفاده می‌شود، اما پول قانونی محسوب نمی‌شود.

دلاری شدن رسمی: این امر هنگامی اتفاق می‌افتد که دولت به طور قانونی و رسمی، پول خارجی را جایگزین پول داخلی کند.

#### پول و مبنای تئوریک:

طبق مبانی تئوریک، ارزش پول ملی، تابع عواملی همچون حجم نقدینگی، تراز تجاری و نیز نرخ بهره وام‌های بین‌المللی دریافتی یک کشور است (کشورهای دارای بدهی خارجی قابل توجه نسبت به تولید ناخالص داخلی، در صورت افزایش نرخ بهره وام‌های دریافتی با کاهش ارزش پول ملی مواجه می‌شوند). البته باید توجه داشت که تورم ناشی از هر عامل دیگر به غیر از نقدینگی در کاهش ارزش پول مؤثر است که در این متن به آن می‌پردازیم. (به عبارت دیگر، شخصاً اعتقاد دارم، عوامل مذکور در مبنای تئوریک، نه تنها کامل نیستند بلکه در بسیاری از موارد، تنها در نقش عوامل وارد کردن ضربه اول به کاهش ارزش پول ملی تلقی می‌شوند. عامل جاننشینی می‌تواند مخرب‌ترین عامل در کاهش ارزش پول ملی تلقی شود). تأثیر این عوامل بر ارزش پول ملی می‌تواند تدریجی یا با نوسانات شدید همراه

باشد. دریک نظام آزاد نرخ ارز، هرچند تأثیر نرخ بهره وام‌های دریافتی می‌تواند، نوسان آتی ایجاد کند، سایر عوامل موجب تغییر تدریجی می‌شوند. لیکن در اقتصادهایی با نرخ ارز ساختگی، فتر فشرده شده ناشی از عواملی همچون نقدینگی و تراز تجاری، ناگهان عمل نموده و نوسانات شدید، در نرخ ارزهای خارجی نسبت به پول ملی ایجاد می‌کند.

این نوسانات می‌توانند به سوی یک آرامش پیش بر روند و یا در حالت دوم، موجب تشدید بیشتر و درگیری اقتصاد در یک دایره باطل کاهش ارزش پول ملی شوند که در هر دور، حرکت دایره، قدرت نیروهای مخرب، بیشتر و بیشتر می‌شود و پول ملی را به سمت سقوط حرکت می‌دهد. این حالت دوم در حالی امکان وقوع دارد که در کشور مورد نظر کالاهایی وجود داشته باشند که بتوانند در نقش شبه پول ظاهر شده و جایگزین پول ملی گردند (پدیده جاننشینی پول). این کالاها (مثل ارزهای خارجی و یا فلزات گرانبها) که در ابتدای کار، به‌عنوان وسیله‌ای برای پس‌انداز تلقی می‌شوند، در گام‌های بعدی به وسیله سنجش ارزش و نهایتاً وسیله مبادله تبدیل می‌شوند. نتیجه این فرایند، افزایش غیر واقعی داخلی قیمت این شبه پول‌ها و در نتیجه کاهش غیر واقعی ارزش پول ملی خواهد بود. حال چنانچه این شبه پول ها علاوه‌بر برخورداری از مزیت‌های معمول خود نسبت به پول ملی (مثل داشتن ارزش ذاتی در مورد فلزات گرانبها و جایگاه بین‌المللی، مثل ارزهای سخت) از مزیت فوق‌العاده امکان نقل و انتقال بدون نیاز به ثبت، برخوردار باشند (در شرایطی که نقل و انتقال پول ملی توسط دولت و سیستم مالیاتی، رصد می‌شود)، اقتصاد با شدت و سرعت بیشتری وارد حلقه باطل سقوط ارزش پول ملی می‌گردد.

#### جاننشینی پول و مطالعات صورت گرفته در ایران

مطالعاتی که در ایران در مورد جاننشینی پول صورت گرفته به خوبی تغییر شدت این جایگزینی را در دوره‌های زمانی مختلف نشان می‌دهند. به‌عنوان مثال مطالعه ای که توسط منصور خلیلی عراقی و همکاران (دوقفلنامه اقتصاد پولی و مالی، بهار ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۰ انجام شده است، حساسیت تقاضای پول ملی را در برابر نرخ ارز معادل ۰/۰۳۴- برآورد کرده که نشان می‌دهد ده درصد افزایش نرخ ارز موجب ۳/۴ درصد کاهش تقاضای پول ملی ناشی از جایگزینی با ارزهای خارجی می‌شود. مطالعه دیگری که توسط نظر دهمرده و حمیدرضا ایزدی (پژوهش نامه اقتصادی تابستان ۱۳۸۸) با داده‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵ انجام شده، اثر جایگزینی را تقریباً همان رقم مطالعه مذکور، برآورد کرده است.

می‌توان اینگونه مطرح کرد که چون در هر دو مطالعه‌ات، تأثیر شوک ارزی سال ۱۳۹۱ و سالهای بعد از آن، دیده نشده، تأثیر عامل جاننشینی، محدود بوده است. تأثیر شوک‌های ارزی و انتظاری می‌تواند ضریب جاننشینی را بالا ببرد. مطالعه دیگری که توسط حمید لعل خضری و احمد جعفری صمیمی (فصل نامه پژوهش‌های بازرگانی، پاییز ۱۴۰۰) با استفاده از داده‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۶، انجام شده ضریب درصد کاهش تقاضای پول ملی در برابر درصد تغییرات نرخ ارز را معادل ۱/۸ برآورد کرده است. نشان دهنده این ضریب به بزرگتر از عدد یک، نشان دهنده وضعیت شدید جایگزینی و سقوط پول ملی است.

شخصاً اعتقاد دارم در تمام این مطالعات، ضریب جاننشینی بیش از ارقام برآورد شده است، چرا که عامل تورم نیز به‌عنوان یک متغیر مستقل که افزایش آن موجب کاهش تقاضای پول ملی می‌شود، وارد مدل گردیده در حالی‌که تورم، جدای از تأثر از نقدینگی، بشدت از عامل افزایش نرخ ارز، تأثیرپذیر بوده و به‌دلیل همه خطی این دو متغیر، با تغییر فرم مدل‌های مورد استفاده (مثلاً به‌صورت دستگاه معادلات همزمان) قطعاً شاهد ضرایب بزرگتری برای جاننشینی پول، خواهیم بود.

بدون شک چنانچه مطالعه دیگری با بسط دوره مطالعه تا زمان کنونی صورت گیرد، ضریب جایگزینی بزرگتر و مسلماً خطرناک‌تر خواهد بود، چرا که اولاً شوک‌های بیشتری اتفاق افتاده است، انتظارات به‌صورت مخرب تری در سال‌های اخیر، شکل گرفته‌اند و از همه مهمتر، کنترل سیستم مالیاتی بر نقل و انتقال پول ملی در کنار رها بودن شبه پول‌هایی چون ارز و طلا، تقاضا و جاننشینی آنها را بشدت افزایش داده



▪ **نرخ ارز و طلا به موتور ایجاد تورم و ابزار قدرتمند ایجاد بی ثباتی اقتصادی، اجتماعی، روانی و حتی سیاسی کشور تبدیل می‌شود**  
 ▪ **ناپایداری تقاضای پول، جایی برای سیاست‌های پولی، به جانی‌گذار و این سیاست‌ها نمی‌توانند در جهت کنترل تورم، مفید واقع شوند**  
 ▪ **معمولاً دولت‌ها بدون درک صحیح وضع موجود، عموماً با هدف کاهش شدت بحران، اقدام به تزریق منابع ارزی و طلای موجود خود به بازار می‌کنند**

است.

#### رابطه معکوس و ورود به حلقه باطل سقوط پول ملی

ورود به حلقه باطل، عمدتاً به‌دلیل معکوس شدن رابطه علی و معلولی بین تورم و کاهش ارزش پول ملی است. هرچند در مراحل پیشتری از اقتصاد، از مدیریتی تورم و تورم موجب کاهش ارزش پول ملی می‌شود، اما با ورود شبه پول‌ها، کاهش ارزش پول ملی موجب تورم شده و مجدداً تورم موجب کاهش بیشتر ارزش پول ملی می‌شود. سرعت کاهش ارزش پول ملی می‌تواند در هر دور حرکت اقتصاد در این حلقه باطل شدیدتر از دور قبل باشد چراکه جایگزینی شبه پول‌ها به جای پول ملی می‌تواند آثار جانبی دیگری بر تورم داشته باشد که عبارتند از:

با افزایش قیمت شبه پول‌ها که ناشی از تقاضاهای جدید برای نقش‌های جدید آنهاست (تبدیل شدن از یک وسیله پس‌انداز به وسیله مبادله ارزش، سنجش ارزش و وسیله مبادله خصوصاً با مزیت نقل و انتقال بدون نیاز به ثبت)، افزایش قیمت انتظاری نیز شکل می‌گیرد و کاهش ارزش پول ملی را شدت می‌دهد.

معمولاً دولت‌ها بدون درک صحیح وضع موجود، عموماً با هدف کاهش شدت بحران، اقدام به تزریق منابع ارزی و طلای



**در کتب اقتصادی آمده است که کینز با ارائه نظریه معجزه‌آسای خود که می‌گفت دولت باید با افزایش مخارج خود و کاهش مالیات‌ها (سیاست کسری بودجه و استقراض پول)، تقاضای کل جامعه را بالا ببرد تا رکود پایان یابد، اقتصاد آمریکا را نجات داد.هیچ یک از استادان و سؤاَل نکرده‌اند که چگونه ممکن است دولت در طلا، هزینه‌های خود را با استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول افزایش داده باشد؟**



▪ **نرخ ارز و طلا به موتور ایجاد تورم و ابزار قدرتمند ایجاد بی ثباتی اقتصادی، اجتماعی، روانی و حتی سیاسی کشور تبدیل می‌شود**  
 ▪ **ناپایداری تقاضای پول، جایی برای سیاست‌های پولی، به جانی‌گذار و این سیاست‌ها نمی‌توانند در جهت کنترل تورم، مفید واقع شوند**  
 ▪ **معمولاً دولت‌ها بدون درک صحیح وضع موجود، عموماً با هدف کاهش شدت بحران، اقدام به تزریق منابع ارزی و طلای موجود خود به بازار می‌کنند**

موجود خود به بازار می‌کنند و از آنجا که این دو کالا، خود تبدیل به وسیله مبادله شده‌اند، این اقدام، عملاً موجب تأثیری مشابه با افزایش نقدینگی و ایجاد تورم بیشتر می‌شود. با این تفاوت که با تزریق این منابع و افزایش سهم ارز و طلا در جایگزینی پول ملی، بخش بیشتری از اقتصاد، از مدیریتی بانک مرکزی خارج می‌شود. حتی بخشی از این دو کالا که توسط خانوارها نگهداری می‌شود، با انتظارات تورمی، خانوارها به امید دستیابی به سود بیشتر، مصارف خود را به تعویق می‌اندازند و در کنار تورم موجود، تقاضای کالاها در اقتصاد را کاهش داده و رکود را همزمان با تورم، تشدید خواهد کرد.

در شرایط این جایگزینی، سیاست‌های پولی (علاوه بر دلیل فوق) بنا نه دلائل دیگری، هرگونه کارایی خود را از دست می‌دهند. در شرایط جایگزینی، هزینه فرصت نگهداری پول، نرخ بهره (یعنی ابزار سیاست پولی) نیست و نقشی در تقاضای پول بازی نمی‌کند، بلکه هزینه فرصت نگهداری پول، بر اساس نرخ طلا و ارز، محاسبه می‌شود و در این شرایط بازی با نرخ بهره فقط بر خرامت اوضاع می‌افزاید.

ناپایداری تقاضای پول، جایی برای سیاست‌های پولی، به جا نمی‌گذارد و این سیاست‌ها نمی‌توانند در جهت کنترل تورم، مفید واقع شوند.

با جایگزینی این شبه پول‌ها به جای پول ملی با توجه به امکان نقل و انتقال بدون ثبت، آنها به وسیله تسهیل مبادلات اقتصاد زیرزمینی، فرار مالیاتی، فرار سرمایه، فساد مالی، قاچاق کالا و… تبدیل و جدای از آثار مخرب هر کدام از نقش‌های ذکر شده بر اقتصاد، موجبات شوک‌کشد شدن اقتصاد شفاف و رشد وسیع اقتصاد زیرزمینی و کاهش درآمدهای واقعی مالیاتی و بالطبع کسری بودجه بیشتر دولت و تورم بیشتر می‌شوند.

وجود این شبه پول‌ها که موجب کاهش ارزش پول ملی می‌شوند، نه تنها موجب فرار سرمایه، بلکه در تسهیل آن، نقش اساسی دارند. حال فرار سرمایه که خودش معلول کاهش ارزش پول ملی خود است، به علت وجود امتیاز نقل و انتقال بدون نیاز به ثبت این شبه پول‌ها، به تنهایی قادر است پول ملی را به سقوط بکشد. کما اینکه وجود این امتیاز در یک شبه پول موهومی، بدون وجود فیزیکی، بدون مشخص بودن خالق آن، بدون داشتن پشتوانه، بدون داشتن یک دولت متولی و بدون… می‌تواند ارزش قوی‌ترین پول دنیا که قوی‌ترین اقتصاد دنیا پشتوانه و متولی آن است را در برابر خود در حدود یک و نیم میلیون برابر کاهش دهد تا ما شاهد تبدیل نرخ برابری یک دلار، معادل بیست بیت کوین به نرخ برابری هفتاد و پنج هزار دلار معادل یک بیت کوین باشیم.

در جریان این سقوط، نرخ ارز و طلا به موتور ایجاد تورم و ابزار قدرتمند ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی، اجتماعی، روانی و حتی سیاسی کشور تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی کشور متخاصم

ناشی از تمایل مردم در به تعویق انداختن مصارف غیرضروری خود و استفاده از منابع مالی خود در سرمایه‌گذاری در بورس، به امید حصول پول بیشتر و نیز اقدام دولت آمریکا در افزایش نرخ بهره برای کنترل بازار سهام، حادث شده بود، صاحبان شرکت‌ها سعی در استفاده از فرصت موجود، کرده و سهام خود را به بازار عرضه کردند. اوج میزان عرضه در ۲۴ اکتبر ۱۹۲۹ اتفاق افتاد و تنها پنج روز بعد یعنی در ۲۹ اکتبر یا سه‌شنبه سیاه، بازار سهام سقوط کرد. نتیجه آن شد که عده معدودی صاحب ثروت‌های افسانه‌ای شدند و جمع کثیری تا حد گرسنگی، فقیر شده ر افراد ثروتمند منابع مالی جمع‌آوری شده را عموماً به طلا تبدیل کردند. حادثه‌ای که ما نیز در سقوط بورس، شاهد آن بودیم و درست در آغاز رشد غیرمتعارف قیمت‌ها، اینجانب در مصاحبه با نود اقتصادی نسبت به پیامدهای این رشد که سقوط قیمت سهام، ضربه به فعالیت‌های تولیدی، ثروت باد آورده صاحبان شرکت‌ها و انتقال منابع جمع‌آوری شده، در بازار سرمایه‌های غیرمولد مثل ملک، ارز و طلا و رشد شدید قیمت این اقلام در آینده نزدیک، هشدار فراموش‌کننیم هم‌انگونه که خداوند در قرآن در مورد جمع‌آوری سرمایه‌ها در شکل غیرمولد (در آن زمان، طلا و نقره) هشدار شدید داده‌اند، انتقال سرمایه‌ها به بخش‌های غیرمولد، مرگ اقتصاد را رقم خواهد زد و شخصاً متقدم در حالتی که عدم تناسب رشد قیمت سهام شرکت‌ها با بازردهی آنها به‌وجود می‌آید، حتی سرمایه‌گذاری در بورس هم، ماهیت و آثار و نتایج سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرمولد در برای اقتصاد به بار می‌آورد.

#### و اما اقدامات دولت آمریکا چه بود؟

در کتب اقتصادی آمده است که کینز با ارائه نظریه معجزه‌آسای خود، که می‌گفت دولت باید با افزایش مخارج خود و کاهش مالیات‌ها (سیاست کسری بودجه و استقراض وسیع یا به عبارتی چاپ پول)، تقاضای کل جامعه را بالا ببرد تا رکود پایان یابد، اقتصاد آمریکا را نجات داد.هیچ یک از استادان و البته دانشجویان اقتصاد سؤاَل نکرده‌اند که چگونه ممکن است دولت در اقتصاد مبتنی بر پایه پولی طلا، هزینه‌های خود را با استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول افزایش داده باشد؟ این مطلب از آکادیب اصلی تاریخ اقتصادی آمریکا است. در حالی که در آمار اقتصادی آمریکا می‌بینیم که مالیات‌های دولت فدرال در دوران رکود بزرگ سه برابر افزایش داشته است، اما اقدامات واقعی دولت آمریکا چه بود؟ در آن دوره تلاش‌های دولت هربرت هورور، رئیس جمهور وقت آمریکا به نتیجه نرسید و اقتصاد با رشد منفی دو رقمی مواجه شده بود که این نرخ منفی در سال ۱۹۳۲ به ۱۲/۹- رسید. نرخ منفی در بخش کالاها و موادام نیز به ۴۸/۴ درصد و در بخش کالا‌های مصرفی کم دوام به ۱۹/۴ درصد (متوسط ۲۵ درصد) رسید. بدین ترتیب در سال بعد، دولت روزولت به قدرت می‌رسد.

وی با درک صحیح موضوع و دلیل اصلی بحران اقتصادی که چیزی جز جمع‌آوری سرمایه‌ها در قالب طلا نبود، با استفاده از اختیارات رئیس جمهور در زمان جنگ و بر اساس قانون مصوب زمان جنگ جهانی اول، تحت عنوان «قانون مبارزه با تجارت با دشمن» که تخلف از آن مجازات اعدام را به همراه داشت، قانون ۶۰۱۲ روزولت را اعلام می‌کند. در کشوری که از یک‌سوا، آزادترین اقتصاد دنیا حاکم است و از سوی دیگر نظام پولی آن پایه طلاست و طبق آکادیب دیگری که در مورد اقتصاد آمریکا در کتب اقتصادی آمده است، تا سال ۱۹۷۱ مردم می‌توانستند هر لحظه اراده کنند اسکناس‌های دلار خود را به سکه‌های دلار و طلا تبدیل کنند و مطابق قانون روزولت، همه آمریکایی‌ها در آن دوره مکلف می‌شوند ظرف بیست روز هر گونه طلای ساخته شده و در هرشکل دیگری به غیر از یک حلقه شخصی، حداکثر هشت گرم، تحویل خزانه دولت دهند و بعد از این تاریخ اعلام می‌شود کشف هرگونه طلا، مجازات‌های قانون مبارزه با تجارت با دشمن را به همراه دارد.همچنین مطابق این قانون نرخ طلای دریافتی از مردم نه بر اساس نرخ بازار، بلکه توسط رئیس جمهور تعیین می‌شود! که نرخ تعیین شده توسط رئیس جمهور در حدود پنجاه درصد قیمت جهانی طلا در آن زمان تعیین می‌گردد! بند دیگر قانون اعلام می‌کند که حتی بر اساس این قیمت‌گذاری نیز، پولی به افراد داده نمی‌شود بلکه اوراق خزانه دریافت خواهند کرد و در بند دیگر تصریح می‌شود که هیچ

بانکی حق دریافت این اوراق را به‌عنوان وثیقه وام ندارد.

این قانون نشان می‌دهد که حفظ نظام از اوجب واجبات است، در عمل یعنی چه؟ با اجرای این قانون در همان سال رشد ۱۳ درصدی منفی به ۱/۲- می‌رسد و رشد اقتصادی در سال بعد به عدد دورقمی مثبت ۱۰/۸ افزایش می‌یابد.

جالب آنجا است که با وجود آکادیب کتب اقتصادی در مورد پایه پولی طلا و امکان تبدیل اسکناس دلار با طلا در آمریکا تا سال ۱۹۷۱، داشتن هرگونه طلا تا سال ۱۹۷۶ در آمریکا ممنوع بوده و حتی بعد از این تاریخ نیز اجازه داشتن طلا با ثبت دقیق اطلاعات وضع مالیات بر آن، صادر شود.

باید توجه داشت که تبدیل آمریکا به اقتصاد اول دنیا ناشی از حاکمیت دلار و زندگی انگلی اقتصاد آمریکا در بدن میزبان خود یعنی اقتصاد جهانی است. موقعیتی که نه به واسطه عمل به اصول اقتصاد آزاد به‌وجود آمده بلکه با قدرت سیاسی و نظامی ایجاد و سعی در حفظ آن می‌شود. تاریخ امریکا مملو از مثال‌هایی در این باره است. از جمله تهدید به اشغال عربستان در صورت عدم استفاده از دلار در مبادلات نفتی گرفته تا استفاده از ایجاد بحران‌های نظامی و جهانی و حتی ایجاد جنگ در کنترل حباب بازار بورس. توجه به تاریخ‌های ایجاد تنش توسط امریکایی‌ها و وضعیت بازار بورس در آن مقاطع که مستلزم دخالت دولت در اقتصاد و بر اساس اصول علم اقتصاد و افزایش نرخ بهره جهت کنترل حباب بورس می‌باشد و در حالی که عملاً بعد از دهه هشتاد میلادی، هیچ‌گاه به‌طور جدی از ابزار افزایش نرخ بهره استفاده نشده، مؤید این مطلب است.

شاید در نگاه اول تعجب‌آور باشد که چطور چین طی دو دهه گذشته، با رشدی سریع، همه اقتصادهای قدرتمند جهان را پشت سر گذاشت لیکن سال‌هاست که پشت خاکیز اقتصاد اول دنیا، در جا می‌زند. رشد اقتصاد چین، تقاضای دلار را در دنیا بالا می‌برد، به عبارتی چین در مسابقه با اقتصادی است که خود باعث بزرگ شدن آن است. این رشد غیرواقعی با جایگزینی ارزهای دیگر، به جای دلار، می‌تواند با سرعت غیرقابل باور به سقوط اقتصاد آمریکا منجر شود. جنگی که آمریکا برای جلوگیری از آن آماده هر جنگی که فدا کردن متحدان اصلی خود است چه رسد به کشورهایی با حکومت‌های دست‌نشانده.

#### نتیجه و راه حل

در شرایطی که کشور فاقد بدهی خارجی قابل توجه بوده و همچنین توان مدیریت و کنترل واردات را داشته باشد و حتی تراز بازرگانی خارجی آن در حالت تحریم‌ها متعادل باشد (مانند ایران)، کاهش ارزش پول ملی می‌تواند ناشی از افزایش نقدینگی باشد و اگر و فقط اگر امکان جایگزینی پول ملی با ارز و طلا وجود داشته باشد، هر چند در ابتدا این جایگزینی جنبه پس‌انداز دارد (و ضریب درصد این جایگزینی نسبت به افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌یابد (ضریب درصد جایگزینی بزرگتر از یک) و اقتصاد را با خطر سقوط پول ملی مواجه می‌کند و اگر این خطر سقوط پول ملی موجب افزایش نرخ ارز، معمولاً کمتر از نیم است) اما با نادوام تنگانه‌های ارزی و انتظارات تورمی و نوسانات روانی و… این جایگزینی به سایر نقش‌های پول ملی، تسری می‌ی